اخلاق و رفتار امام رضا علیه السلام

امامان پاک ما در میان مردم و با مردم می زیستند،و عملا به مردم درس زندگی و پاکی و فضیلت می آموختند،آنان الگو و سرمشق دیگران بودند،و با آنکه مقام رفیع امامت آنان را از مردم ممتاز می ساخت،و برگزیده ی خدا و حجت او در زمین بودند در عین حال در جامعه حریمی نمی گرفتند،و خود را از مردم جدا نمی کردند،و به روش جباران انحصار و اختصاصی برای خود قائل نمی شدند،و هرگز مردم را به بردگی و پستی نمی کشاندند و تحقیر نمی کردند...

«ابراهیم بن عباس »می گوید:«هیچگاه ندیدم که امام رضا علیه السلام در سخن بر کسی جفا ورزد،و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند،هرگز نیازمندی را که می توانست نیازش را بر آورده سازد رد نمی کرد،در حضور دیگری پایش را دراز نمی فرمود، هرگز ندیدم به کسی از خدمتکاران و غلامانشان بدگوئی کند،خنده ی او قهقهه نبود بلکه تبسم بود،چون سفره ی غذا به میان می آمد همه ی افراد خانه حتی دربان و مهتر را نیز بر سفره ی خویش می نشاند و آنان همراه با امام غذا می خوردند.شبها کم می خوابید و بیشتر بیدار بود،و بسیاری از شبها تا صبح بیدار می ماند و به عبادت می گذراند،بسیار روزه می داشت و روزه ی سه روز در هر ماه را ترک نمی کرد [1] ،کار خیر و انفاق پنهان بسیار داشت، وبیشتر در شبهای تاریک مخفیانه به فقرا کمک می کرد. [2]

«محمد بن ابی عباد»می گوید:فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاسی بود لباس او-در خانه-درشت و خشن بود،اما هنگامیکه در مجالس عمومی شرکت می کرد (لباسهای خوب و متعارف می پوشید) و خود را می آراست. [3]

شبی امام میهمان داشت،در میان صحبت چراغ نقصی پیدا کرد،میهمان امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند،امام نگذاشت و خود این کار را انجام داد و فرمود:ما گروهی هستیم که میهمانان خود را بکار نمی گیریم. [4]

یکبار شخصی که امام را نمی شناخت در حمام از امام خواست تا او را کیسه بکشد،امام علیه السلام پذیرفت و مشغول شد،دیگران امام را بدان شخص معرفی کردند،و او با شرمندگی به عذرخواهی پرداخت ولی امام بی توجه به عذر خواهی او همچنان او را کیسه می کشید و او را دلداری می داد که طوری نشده است. [5]

شخصی به امام عرض کرد:به خدا سوگند هیچکس در روی زمین از جهت برتری و شرافت پدران به شما نمی رسد.

امام فرمود:تقوی به آنان شرافت داد و اطاعت پروردگارآنان را بزرگوار ساخت. [6]

مردی از اهالی بلخ می گوید:در سفر خراسان با امام رضا علیه السلام همراه بودم،روزی سفره گسترده بودند و امام همه ی خدمتگزاران و غلامان حتی سیاهان را بر آن سفره نشاند تا همراه او غذا بخورند.

من به امام عرض کردم:فدایتان شوم.بهتر است اینان بر سفره یی جداگانه بنشینند.فرمود: ساکت باش،پروردگار همه یکی است،پدر و مادر همه یکی است،و پاداش هم باعمال است. [7]

«یاسر»خادم امام می گوید:امام رضا علیه السلام به ما فرموده بود اگر بالای سرتان ایستادم (و شما را برای کاری طلبیدم) و شما به غذا خوردن مشغول بودید برنخیزید تا غذایتان تمام شود.بهمین جهت بسیار اتفاق می افتاد که امام ما را صدا می کرد،و در پاسخ او می گفتند به غذا خوردن مشغولند،و آن گرامی می فرمود بگذارید غذایشان تمام شود. [8]

یکبار غریبی خدمت امام رسید و سلام کرد و گفت:من از دوستداران شما و پدران و اجدادتان هستم،از حج باز گشته ام و خرجی راه تمام کرده ام،اگر مایلید مبلغی به من مرحمت کنید تا خود را بوطنم برسانم،و در آنجا از جانب شما معادل همان مبلغ را به مستمندان صدقه خواهم داد،زیرا من در شهر خویش فقیر نیستم و اینک در سفر نیازمند مانده ام.

امام برخاست و به اطاقی دیگر رفت،و دویست دینار آورد و از بالای در دست خویش را فراز آورد،و آن شخص را خواند و فرمود:این دویست دینار را بگیر و توشه ی راه کن،و به آن تبرک بجوی،و لازم نیست که از جانب من معادل آن صدقه بدهی...

آن شخص دینارها را گرفت و رفت،امام از آن اطاق به جای اول بازگشت،از ایشان پرسیدند چرا چنین کردید که شما را هنگام گرفتن دینارها نبیند؟

فرمود:تا شرمندگی نیاز و سؤال را در او نبینم... [9]

امامان معصوم و گرامی ما در تربیت پیروان و راهنمائی ایشان تنها به گفتار اکتفا نمی کردند، و در مورد اعمال آنان توجه و مراقبت ویژه یی مبذول می داشتند،و در مسیر زندگی اشتباهاتشان را گوشزد می فرمودند تا هم آنان از بیراهه به راه آیند،و هم دیگران و آیندگان بیاموزند.

«سلیمان جعفری »از یاران امام رضا علیه السلام می گوید:برای برخی کارها خدمت امام بودم، چون کارم انجام شد خواستم مرخص شوم،امام فرمود:امشب نزد ما بمان.

همراه امام به خانه ی او رفتم،هنگام غروب بود،غلامان حضرت مشغول بنائی بودند امام در میان آنها غریبه یی دید،پرسید:این کیست؟عرض کردند:به ما کمک می کند و به او چیزی خواهیم داد.

فرمود:مزدش را تعیین کرده اید؟

گفتند:نه!هر چه بدهیم می پذیرد.

امام بر آشفت و خشمگین شد.من به حضرت عرض کردم:فدایتان شوم خود را ناراحت نکنید. ..

فرمود:من بارها به اینها گفته ام که هیچکس را برای کاری نیاورید مگر آنکه قبلا مزدش را تعیین کنید و قرار داد ببندید.کسی که بدون قرار داد و تعیین مزد کاری انجام دهد اگر سه برابر مزدش را بدهی باز گمان می کند مزدش را کم داده یی،ولی اگر قرار داد ببندی و به مقدار معین شده بپردازی از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده یی،و در اینصورت اگر بیش از مقدار تعیین شده چیزی به او بدهی هر چند کم و ناچیز باشد می فهمد که بیشتر پرداخته یی و سپاسگزار خواهد بود. [10]

«احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی »که از بزرگان اصحاب امام رضا علیه السلام محسوب می شود نقل می کند.من با سه تن دیگر از یاران امام خدمتش شرفیاب شدیم،و ساعتی نزد امام نشستیم،چون خواستیم باز گردیم امام به من فرمود:ای احمد!تو بنشین.همراهان من رفتند و من خدمت امام ماندم،و سؤالاتی داشتم بعرض رساندم و امام پاسخ می فرمودند،تا پاسی از شب گذشت،خواستم مرخص شوم،فرمود:می روی یا نزد ما می مانی؟

عرض کردم:هر چه شما بفرمائید،اگر بفرمائید بمان می مانم و اگر بفرمائید برو می روم.

فرمود:بمان،و اینهم رختخواب (و به لحافی اشاره فرمود) .آنگاه امام برخاست و به اطاق خود رفت.من از شوق به سجده افتادم و گفتم:سپاس خدای را که حجت خدا و وارث علوم پیامبران در میان ما چند نفر که خدمتش شرفیاب شدیم تا این حد به من محبت فرمود.

هنوز در سجده بودم که متوجه شدم امام به اطاق من باز گشته است،برخاستم.حضرت دست مرا گرفت و فشرد و فرمود:

ای احمد!امیر مؤمنان علیه السلام به عیادت «صعصعة بن صوحان » (که از یاران ویژه ی آن حضرت بود) رفت،و چون خواست برخیزد فرمود:«ای صعصعه!از اینکه به عیادت تو آمده ام به برادران خود افتخار مکن-عیادت من باعث نشود که خود را از آنان برتر بدانی-از خدا بترس و پرهیزگار باش،برای خدا تواضع و فروتنی کن خدا ترا رفعت می بخشد» [11] امام علیه السلام با این عمل و سخن خویش هشدار داده است که هیچ عاملی جای خود سازی و تربیت نفس و عمل صالح را نمی گیرد،و به هیچ امتیازی نباید مغرور شد،حتی نزدیکی به امام و عنایت و لطف آن بزرگوار نیز نباید وسیله ی فخر و مباهات و احساس برتری بر دیگران گردد.

 [1] گویا منظور روزه ی پنجشنبه اول ماه و چهار شنبه ی وسط ماه و پنجشنبه ی آخر ماه است که پیشوایان معصوم فرموده اند کسی که اضافه بر روزه ی ماه مبارک رمضان در هر ماه این سه روز را روزه بگیرد مانند آنستکه همه ی سال روزه باشد.

پی نوشتها

[2] اعلام الوری ص 314

[3] اعلام الوری ص 315

[4] کافی ج 6 ص 283

[5] مناقب ج 4 ص 362

[6] عیون اخبار الرضا ج 2 ص 174

[7] کافی ج 8 ص 230

[8] کافی ج 6 ص 298

[9] مناقب ج 4 ص 360

[10] کافی ج 5 ص 288

[11] معجم رجال الحدیث ج 2 ص 237- رجال کشی ص 588